



دیدار خاطره انگیزی از مصدق و دهخدا. نفر ایستاده نصرت الله امینی است.

امینی به هنگام سپردن عکس گفت :

وقتی عکس را به دهخدا نشان دادم، قلم برداشت که آن را امضا کند. اثر مقداری از امضای وی هم در بالای عکس (بین سرامینی و چهارچوب در) دیده می شود. ولی بعد، آن مرحوم تأمل کرد و گفت «من باید پایین پای دکتر مصدق را امضا کنم» و چنین کرد.

ضمیمه اول

دو نامه متبادله بین استاد دهخدا و اداره اطلاعات سفارت آمریکا در تهران در حاشیه
(موضوع وحدت نظر مصدق و دهخدا)

ساعت ۲۰ دوشنبه ۲۸ دی ۱۳۳۲ به منزل آقای
دهخدا رفتم، زیارتش کردم. يك شعر را که اخیراً
ساخته^۱ (راجع به دزدان دریائی در دجله که به
خلیفه حمله کردند) خواند. کاغذ اداره اطلاعات
سفارت کبرای آمریکا را با جوابش به من داد ...
گویا این نامه به وزارت خارجه آمریکا فرستاده شده
است.

۱۹ دی ۱۳۳۲

جناب آقای علی اکبر دهخدا

خیابان ایرانشهر، فیشر آباد، تهران

آقای محترم - صدای آمریکا در نظر دارد برنامه‌ای از زندگانی دانشمندان و سخنوران
ایرانی، در بخش فارسی صدای آمریکا از نیویورک پخش نماید. این اداره جنابعالی را نیز
برای معرفی به شنوندگان ایرانی برگزیده است. در صورتی که موافقت می فرمایید، ممکن
است کتباً یا شفاهاً نظر خودتان را اطلاع فرمایید تا برای مصاحبه با شما ترتیب لازم اتخاذ
گردد.

ضمناً در نظر است که علاوه بر ذکر زندگانی و سوابق ادبی سر کار، قطعه‌ای نیز
از جدیدترین آثار منظوم یا منثور شما پخش گردد.

۱ - منظور مثنوی ۶۱ بیتی «درچنگ دزدان» می باشد که مرحوم دهخدا مقارن ملی شدن صنعت نفت
سروده و برای چاپ به مجله یغما داده، و موقع تحویل آن به مدیر یغما به طنز می گوید «در مجله بنویسید
که اینجا مرادم از دجله، نفت خوزستان نیست» مقطع مثنوی هم این بیت است: گر نمی بودیم یکسر «زن به
مزد» کی تسلط یافتی بر جمله دزد! (یغما، شماره يك، سال هفتم. به نقل از دیوان دهخدا، به
کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، تیراژه، چاپ دوم، صص ۳۴ تا ۴۳)

